

دوريس لسينگ

فرزندينج

ترجمہ مہدی غبرائی

Lessing, Doris may 1919	لِسینگ، دوریس می ۱۹۱۹
فرزند پنجم / دوریس لِسینگ ترجمه مهدی غیراثری - تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷.	
۱۶۷ ص.	
ISBN 978-964-380-501-2	شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۵۰۱-۲
داستان‌های انگلیسی قرن ۲۰	
۸۲۲/۹۱۲	PZ۳/ل۵۴۲



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۶۲ / طبقه چهارم/ تلفن: ۸۸۲۰۲۲۲۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۶۰ / تلفن: ۸۸۲۲۵۲۷۶-۷

■ فرزند پنجم

● دوریس لِسینگ ● ترجمه مهدی غیراثری ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه ادبیات جهان

● طرح جلد: پرویز بیانی

● ویرایش فنی و لیتوگرافی: کارگاه نشر ثالث

● آرزو رحمانی - زهرا شمس - انسیه حسینی

● چاپ اول: ۱۳۸۷ / ۲۲۰۰ نسخه

● چاپ: رهنما ● صحافی: صفحه‌پرداز

● کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-501-2

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۵۰۱-۲

پست الکترونیکی: Info@Salesspub.ir

سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.ir

● قیمت: ۳۲۰۰ تومان

The Fifth Child
By Doris Lessing
First Edition, 1989
Vintage International
(Random House) 2007

یادداشت مترجم

دوریس لسینگ تا پیش از دریافت جایزه ادبی نوبل در ایران چندان شناخته شده نبود. گویا چند سال پیش نخستین رمانش، *ترنم علفزار* (نه با این نام) ترجمه شد. اما آشنایی من با نام او به زمان حیات فرهاد برمی گردد. هردو می دانستیم که نویسنده در کرمانشاه (شهری که از قضای روزگار فرهاد هم چند سالی آنجا بود) به دنیا آمده و در شش سالگی همراه پدر و مادرش از این شهر رفته است - البته برخلاف نظر برخی، این دلیل انتسابش به ایران نمی شود. چون در آثارش هیچ ردّ پایی از ایران و فرهنگ ایرانی محسوس نیست.

در اینجا پرسشی پیش می آید: مگر مترجم همه آثار لسینگ را خوانده است؟ پاسخ ساده و سراسر است: نه، به هیچ وجه. اما به برخی نقد و نظرها درباره آثار و احوال نویسنده دسترسی داشته ام. سالها پیش ژمان نامبرده و سپس دمه‌ای از توفان به دستم رسید، اما چندان با آنها که متعلق به دوره اول کار اوست و منظر نسبتاً محدودتری دارد، اُخت نشدم. هنگام ترجمه موج آفرینی^۱ به یکی از مقالات کتاب (مقاله هیجدهم) به نام دوریس لسینگ: دفترچه طلایی برخوردارم که بارگاس یوسا آن را بهترین ژمان نویسنده دانسته است. ولی پس از رجوع به

۱. موج آفرینی (مجموعه مقالات بارگاس یوسا) گردآورده جان کینگ، ترجمه مهدی

اصل، چون احتمال می‌دادم در انتشار لطمه بخورد، از ترجمه‌اش چشم پوشیدم. برخی آثار مهم دیگر دوریس لسینگ نیز متأسفانه همین حال را دارند. اما فرزند پنجم در عین دوری از این مشکل، در بین آثار نویسنده کم اهمیت نیست، چنانکه در مصاحبه بیل مویرز (که خلاصه‌ای از آن در اینجا ارائه می‌شود) نیز روی این رُمان تأکید شده است.



دوریس لسینگ، برنده جایزه نوبل ادبی ۲۰۰۷ در ۱۹۱۹ از پدر و مادر انگلیسی با نام اصلی دوریس مین تایلر^۱ همان‌طور که گفته شد، در ایران به دنیا آمد. پدرش کارمند بانک شاهنشاهی بوده و از قرار معلوم یک پایش را در جنگ جهانی اول از دست داده بود. در ۱۹۲۵ به امید آنکه ملکی در رودزیای جنوبی (زیمبابوه کنونی) به دست آورده و ثروتمند شود همراه خانواده به آن کشور رفت، اما در کسب ثروت ناکام شد. مادر دوریس او را به دبیرستان راهبه‌ها فرستاد و او در چهارده سالگی ترک تحصیل کرد و در پانزده سالگی پرستار سرخانه شد. بعدها راه سیاسی پیش گرفت و پس از ازدواج ناموفق اول (با دو بچه) با یک فعال سیاسی کمونیست به نام گانفرید لسینگ ازدواج کرد و پس از چند سال از او نیز جدا شد. اما نامش را برای خود نگهداشت. در ۱۹۴۹ با پسر کوچکش از همین مرد به لندن رفت و از آن پس مقیم همانجا شد. اندکی بعد نخستین رمانش منتشر شد و در پی آن شماری آثار بدیع که حدوداً (از رُمان و داستان کوتاه گرفته، تا نمایشنامه، شعر، مقاله و زندگینامه) به شخصت عنوان می‌رسد، نوشته است.

کار او را معمولاً به سه دوره تقسیم می‌کنند: آثاری با درونمایه‌های اجتماعی (۱۹۴۴-۱۹۵۶)، روانشناختی (۱۹۵۶-۱۹۶۹) و صوفیانه و علمی-تخیلی، البته استثناهایی هم در این میانه وجود دارد.

پاره‌ای آثار چشمگیرش، جز آن‌ها که تاکنون نام برده شد، عبارتند از: مجموعه فرزندان خشونت، مرکب از پنج رُمان و یک مجموعه داستان (۱۹۵۲-۱۹۶۹)،

عادت عشق ورزیدن (مجموعه داستان، ۱۹۵۷)، چهار شعر (۱۹۵۶)، بازی با بیر (نمایشنامه ۱۹۶۲)، شهر چهار دروازه (۱۹۶۹)، مجموعه قصه‌های گریه (۳ جلد از ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰)، گزارش هبوط به دوزخ (۱۹۷۱)، تابستان پیش از تاریکی (۱۹۷۳)، یک صدای ضعیف شخصی (مقالات، ۱۹۷۴)، مجموعه کانونپوس در آرگوس (شامل ۵ رمان علمی-تخیلی، ۱۹۷۹-۱۹۸۳)، تروریست خوب (۱۹۸۵)، باد دنیای ما را با خود خواهد برد (۱۹۸۷)، باز عشق (۱۹۹۶)، بن در جهان (دنباله فرزند پنجم، ۲۰۰۰)، شکاف (۲۰۰۷)، آلفرد و امیلی (۲۰۰۸).

دوریس لسینگ در طول قریب شصت سال نوشتن، مهم‌ترین جوایز ادبی اروپا را دریافت داشته است که با احتساب جایزه ادبی نوبل، تا آنجا که من می‌دانم، به هفده مورد می‌رسد.

دنیای داستانی او از زندگیش مایه گرفته و طبعاً تحت تأثیر دوران کودکیش در آفریقا و فعالیت سیاسی و دغدغه‌های اجتماعی دوره جوانی و تعقل و عرفان پیرسالی است. لسینگ درباره برخورد فرهنگها، بی‌عدالتی‌های خشن نابرابری نژادی، کشمکش میان عناصر متضاد درون شخصیت خود افراد و درگیری بین شعور فردی و خیرجمعی نوشته است. در بیانیه آکادمی سوئد به مناسبت اعطای جایزه به او گفته شده است: «این خماسه‌سرای تجربه زنانه با بدبینی، بصیرت نیرومند و بگذازان تمدنی دو پاره را موضوع موشکافی خود قرار داده است.»

و دو نکته:

۱. این رمان کوتاه نه فصل‌بندی دارد و نه عنوانهای فصل. حتی فاصله زمانی داستان با یکی دو سطر مثلاً لحاظ نشده و این جزو سبک کارنویسنده است.

۲. به صفحات آخر که برسید، حس می‌کنید داستان می‌توانسته ادامه داشته باشد. گویا نویسنده نیز این نکته را دریافته و در سال ۲۰۰۰ میلادی دنباله‌ای به نام بن در جهان بر آن نوشته است. امیدوارم ترجمه آن را نیز تقدیم کنم.